

■ عباراتی علیه خدمت اجباری سربازی و علیه بت‌پرستی

آن‌ها می‌خواهند تو را قانع کنند که مردن برای آن‌ها شجاعت است و زندگی برای خودت، ترسویی. سیاستمدار سخنانی را می‌نویسد، تاجر اسلحه می‌سازد و برده بدنش را می‌دهد. همیشه مجبور، در خط مقدم. آن‌ها تجارت می‌کنند و تو جسد فراهم می‌کنی.

احترام به مجسمه‌ها از کودکی، راه را برای خدمت اجباری سربازی و مرگ بیهوده هموار می‌کند. هر مجسمه‌ای که مورد تکریم است، دروغی است که کسی بابت آن پول می‌گیرد. در حالی که برخی بی‌آنکه ببینند عبادت می‌کنند، دیگران با ایمان کورکورانه آن‌ها تجارت می‌کنند و آن را چند برابر می‌کنند. ترسو واقعی کسی است که بدون پرسش کشته می‌شود. پیامبر دروغین همه گناهانت را می‌بخشد — به جز گناه اندیشیدن به صورت مستقل. سنت در سایه فریب، حکم حبس ابد برای ترسو‌ها و زنجیری است که باید توسط شجاعان شکسته شود. معدود کسانی این را می‌دانند. برای پیامبر دروغین، سخن گفتن علیه بی‌عدالتی کمتر از سخن گفتن علیه عقایدش جرم دارد. وقتی مردمی نمی‌اندیشند، کلاهبرداران رهبر می‌شوند. پیامبر دروغین می‌گوید: «خدا همه بی‌عدالتی‌های بدکاران را می‌بخشد... اما برای درستکارانی که علیه عقاید ما بد بگویند، بخششی نیست.» برای پیامبر دروغین، تنها گناه نابخشودنی شک در دین اوست. کسی که با غرور همراه سنت راه می‌رود و در برابر آن زانو می‌زند، هرگز به سوی حقیقت حرکت نخواهد کرد، زیرا فاقد فروتنی لازم است. مسئله دیدن فراتر از ظاهر است. آن‌ها اراده را با مجسمه‌ها خم می‌کنند تا مردم مطیعانه به جنگ‌های دیگران بروند.

خدمت اجباری سربازی: ترسو اجساد را جمع می‌کند و خواستار یادبود است، شجاع بدون درخواست تشویق زنده می‌ماند. تصادف‌های بیش از حد. آن‌ها می‌خواهند تو را قانع کنند که مردن برای آن‌ها شجاعت است و زندگی برای خودت، ترسویی. اجازه نده. مجسمه گچی قدرتی ندارد، اما بهانه‌ای است برای کسانی که می‌خواهند بر دیگران قدرت داشته باشند. ترویج پرستش مجسمه، ترویج فریب کسانی است که از آن نان می‌خورند. آیا ممکن است همه چیز از ابتدا به هم مرتبط بوده باشد؟

آنان که جنگ‌ها را اعلام می‌کنند و آنان که مجبور به جنگیدن می‌شوند — تضاد بی‌رحمانه: مردم بدون اینکه بدانند چرا، می‌میرند، برای سرزمین‌هایی که هرگز نخواستند می‌جنگند، فرزندان‌شان را از دست می‌دهند، در ویرانه‌ها زندگی می‌کنند. رهبران بدون پرداخت هزینه زنده می‌مانند، از دفاتر امن پیمان امضا می‌کنند، خانواده‌ها و قدرت خود را حفظ می‌کنند، در پناهگاه‌ها و کاخ‌ها زندگی می‌کنند. آن‌ها زندگی‌ات را برای جنگ‌های خود می‌خواهند، نه برای آزادی‌ات. حکومتی که تو را مجبور به مرگ می‌کند، شایسته اطاعت نیست. نتیجه را خودت بگیر. شجاع برای این می‌جنگد که قربانی دیگری نباشد. بره از گوشت خون‌آلود بیزار است؛ فریبکار مبدل تحریک می‌شود، زیرا روحش روح بره نیست، بلکه روح یک درنده وحشی است.

بهانه‌های گرگ‌ها، با منطق برچیده می‌شود: «او را قضاوت نکن، برایش دعا کن» — اما دعا برای گرگ، دندان‌هایش را نمی‌گیرد. «هیچ‌کس کامل نیست» — اما کامل بودن شرط مجرم نبودن نیست.

تجارت جنگ فقط به سه چیز نیاز دارد: سخنرانی‌ها، اسلحه‌ها... و بردگانی که مایل به مردن باشند. بدون ذهن‌های دستکاری‌شده و بدن‌های آماده قربانی، جنگی وجود ندارد. کسی که ذهنش را در برابر یک تصویر خم می‌کند، سرباز ایده‌آلی است که بدون شنیدن هیچ دلیلی می‌میرد. از دین تا جنگ، از ورزشگاه تا پادگان: همه چیز به دست پیامبر دروغین تقدیس می‌شود تا مطیعانی تربیت شوند که برای دیگران خواهند مرد. هر آنچه که ذهن را به بند می‌کشد — دین، تحریف‌شده، سلاح، فوتبال پولی، یا پرچم — به دست پیامبر دروغین تقدیس می‌شود تا راه اطاعت مرگبار را هموار کند.

<https://neveraging.one/2025/08/09/%d8%b9%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%a7%d8%aa%db%8c-%d8%b9%d9%84%db%8c%d9%87-%d8%ae%d8%af%d9%85%d8%aa->

[%d8%a7%d8%ac%d8%a8%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%b3%d8%b1%d8%a8%d8%a7%d8%b2%db%8c-%d9%88-%d8%b9%d9%84%db%8c%d9%87/](#)

<https://youtu.be/WZuRplgrLjQ>